

را-طه کنرت اخبار مقاله ناریخ قدردادهارچ و
همچنین رساله گفته شده منتشر نمکر دیده

آگهی حصر و راثت

نواهد بیو + نویست سوم + ۱۰۰۰۲ + ش ۳۵۴
پرنس کار داد دامادی پخته تبران هله ایک امامه امیر

گویا

اگرچہ رائے

دیوب شمیعه ۳ دادگاه بخش طهوران و سا خلبانی

کمی مزایده

اداره امور پلیسها ازدواج نمودن و کما، موخره و مستمره^۴ از پرچاری
بلو-اکار عله هنر و روان از تابعیت اول آذ داشت-اسند ماه ۱۳۲۳ به اینجا
برخی از نمودهای این اسناد مذکور می‌شوند:

- پیشنهاد دهنده، زنده و زنده از این اسناد مذکور می‌شوند.
- پیشنهاد دهنده، کان باید مبلغ بیست هزار و از روای تظییم شاید این
در دایره اثباتیه سیلو ملاحت و پیشنهاد خود را از روای تظییم شاید
نمود.
- پیشنهاد دهنده، کان باید مبلغ بیست هزار و بیست و نه هزار و بیست و
نیم هزار و پیشنهاد خود را از روای تظییم شاید نمود.
- پیشنهاد این اداره برداخته و پیشنهاد خود را پیشنهاد نمود و پیشنهاد
کویی با کارت (نام) (مرحوب برای این اسناد) مذکور کرد و پاک لاله و پور شده که
داداری روز پیشنهاده، این اسناد را در اداره تامیل و رسیده در ایام اداره امور پلیس
نمازی از داداری بگیرد و قرائت شود و در پیشنهاد دهنده بسیار می‌شوند.
- پیشنهاد این اداره از داداری بگیرد و قرائت شود و در پیشنهاد دهنده بسیار
نمازی از داداری است.

۶- اداره در و د باقیول؛ که یاکه پیشواهای رسیده مختار است.

۷- بی پیواد های داده تبرده تریت از ازد است.

کے رسم

طیل نامه مورخه ۱۳۸۶/۲/۲۵ که بیوست صورت چاله مورخه ۱۳۸۶/۱/۲۰ در این راستا
وزیر طرف هر کشتی از کن و سهمه آفتابان الکساندر یلین- یوردور هنگی و اوز
یلینین بست همچند همچند هر کشتی از مارینه اهاباد گردید امدوکه استاد و مهدیه
سپاه پادشاه را آفتابان الکساندر یاپون (دوسی هشت بهمه و مددیر خانلر هر کشتی)
مقدار ۷۰ هزار تومان می پنداشند

شیوه القاعده زبان

بـا کمال تاب شدیدن آنای احوالاتم لر لاری نامنده ملیس هور ایسلی
سـ از بـیـارـی طـلـانـی غـوتـ نـوـدـ هـرـکـیـ مـکـنـ اـزـ اـمـادـهـ کـانـ جـلـسـ بـودـ
هـکـانـیـ کـمـ کـمـ مـکـنـ بـرـ مـدـ اـعـدـ اـهـ مـنـ جـلـکـ اـعـلـانـ کـردـ بـودـ
مـرـ سـیـهـ وـ مـدـ اـعـدـ بـازـیـ وـ هـامـ دـشـکـ وـ اـعـدـ اـهـ دـادـ وـ دـونـ اـنـ اـعـنـیـ دـرـیـ
کـاهـانـ (تـبـیدـ کـاهـ ماـ) سـتـرـیـ دـوـ بـاـ شـیـفـنـ نـیـوـهـ شـیـلـانـکـارـیـ هـامـ سـیـهـ دـرـیـ
پـارـ مـعـسـ مـیـزـدـ شـارـ کـارـ کـاهـ بـرـ اـعـمـاسـ وـ بـنـ مـهـانـ مـنـیـ دـارـ بـودـ
مـنـیـ نـوـشـتـهـ کـارـ کـردـ بـودـ
ماـ لـمـ مـقـالـ رـاـ ..ـضـایـ بـکـیـ اـذـانـکـانـ بـعـضـ مـلـسـ دـوـ ۲۷۳ـ دـوـ ۲۹۰ـ دـوـ ۲۷۴ـ
آـذـارـ کـردـ بـودـ
درـ اـنـ مـقـاءـ آـنـیـ نـارـیـ مـاهـیـتـ مـلـسـ چـارـهـ وـ اـرـزـ سـیـلـکـارـیـ بـایـ
هـرـ بـکـ اـنـ نـوـیـهـ کـانـ رـاـ اـنـ روـیـ بـیـرـتـ کـاملـ بـقـامـ وـ وـرـدـ استـ ..ـ عـالـمـ نـامـ دـهـ

و ایمان ندازد، اعماقی که این درن
فروشان و از ازیرهای می‌شناسند می‌گیرند.
مردم زنان فاخر شراب خوارد زانی به دست
ایرانی‌ها راه آزاد نهادند که بیرون از هنرمندان
را خوشکه سوار و شوشه.
ایرانی رایی خلیل روزی ملت
و عده‌ی خود خواهد گرفت که ظاهر این
می‌خواهد داری بیند و سوت است یا کسکاکی
بیان، نهاده تالو رای و لای، اند و شوش
حساب اندکه بر این شرسوس و قوم سکانه اند
ما چیز دلیل ادارم شایانی که
می‌گویند این بیان با طلاق خود غیر مستقیم
پادست یکسان کنند و درست شده بوده‌اند
لذت بریدم، این اططرور بوده
خود بید مکر دمه و نر نر کرد از همه
بیوده اوسکر با علاج‌های بلند و پایان
بایی در مسنه.

آنایی نهمت وزیر سمت اینونه و
سر دوار دارد.
حالا که خود دنات آغاز کردند
پشتیوند تا دندان‌ها را خرد بوده و
پیش از این ازیره از ورثت سه دندان‌ها را
پیش از این ازیره از ورثت سه دندان‌ها را
اسباب آبرو و زیری این ازیره بجهه‌یه
شماهه هرمه و نهاده این طایفه را
که کسکاکی شایانی می‌طباطباشی
به جای هر وع کردی افراط چنان
باشد که این آنایی می‌درید و عدی بکنی او
مساویات و دوزخ‌هار بعنی با دوکوهه به دست
نمی‌گردید که می‌گذرد از این دسته
هر چیز این که در سایر از این کمال بفر
نیام آورد و این توئند اطلاع بیدا
پیشکش.
آنایی می‌خواهد از گز آقا و
مثال اینجا را که می‌کمال نا مردی
رعایت انتقال ایران کمی بهم بودند
قرآن نشانند.
قرارداد و از این کفری قرق الماده
کادی خواهان نهار که بادست و نوق
الدواء سیاهه شال های ظهیر و مغلوب
زره بودله نوله کرد.
اشتی از این خواهان کبلان و
در بیان و تربیان بیهوده مادر آنها
رد شکن، نکداشت این سیاه طیاب‌الدين ها
کردند این خواهان اهوازه این از این
شدنی بیست پهلوهای دیگران
و این بسیار خود می‌خواهند املا ایران
که این ما شاه این خواهه بوده، که شاهی
کردند این خواهان که ملتم این در آن خر کرد از همه
حقوق اینها مادریت اینها را می‌خواهند
مطلع بوده است هشکاریکه شاه می
خواهند این اسماز این دن بات همکاری
و این از افق از خواهان و برا ایکلیس ها
تصیل کنند آنایی خواهان ایران از این
شاهه ای این ازیره ای این خواهان بزم هزاره
با قرارداد اینکسی و ایران زخمی
شماهه هرمه و نهاده این طایفه را
که کسکاکی شایانی می‌طباطباشی
به جای هر وع کردی افراط چنان
باشد که این آنایی می‌درید و عدی بکنی او
مساویات و دوزخ‌هار بعنی با دوکوهه به دست
نمی‌گردید که می‌گذرد از این دسته
هر چیز این که در سایر از این کمال بفر
نیام آورد و این توئند اطلاع بیدا
پیشکش.
آنایی می‌خواهد از گز آقا و
مثال اینجا را که می‌کمال نا مردی
رعایت انتقال ایران کمی بهم بودند
قرآن نشانند.
قرارداد و از این کفری قرق الماده
کادی خواهان نهار که بادست و نوق
الدواء سیاهه شال های ظهیر و مغلوب
زره بودله نوله کرد.
اشتی از این خواهان کبلان و
در بیان و تربیان بیهوده مادر آنها
رد شکن، نکداشت این سیاه طیاب‌الدين ها
کردند این خواهان اهوازه این از این
شدنی بیست پهلوهای دیگران
و این بسیار خود می‌خواهند املا ایران
که این ما شاه این خواهه بوده، که شاهی
کردند این خواهان که ملتم این در آن خر کرد از همه
حقوق اینها مادریت اینها را می‌خواهند
مطلع بوده است هشکاریکه شاه می
خواهند این اسماز این دن بات همکاری
و این از افق از خواهان و برا ایکلیس ها
تصیل کنند آنایی خواهان ایران از این
شاهه ای این ازیره ای این خواهان بزم هزاره
با قرارداد اینکسی و ایران زخمی
شماهه هرمه و نهاده این طایفه را
که کسکاکی شایانی می‌طباطباشی
به جای هر وع کردی افراط چنان
باشد که این آنایی می‌درید و عدی بکنی او
مساویات و دوزخ‌هار بعنی با دوکوهه به دست
نمی‌گردید که می‌گذرد از این دسته
هر چیز این که در سایر از این کمال بفر
نیام آورد و این توئند اطلاع بیدا
پیشکش.

